

رازهای سر به مهر
تاریخ دیپلماسی افغانستان
در نیمه نخست سده بیستم

نوشته گروهی از دانشمندان روسی:

پرفیسور داکتر ولادیمیر بویکو، پرفیسور داکتر الکساندر کنیازف، پرفیسور داکتر عبدالله یف، پرفیسور

داکتر پائین

(گزیده مقالات در باره دوره های پادشاهی امان الله خان، حبیب الله خان کلکانی و نادرخان و نیز در باره نقش سیاسی خاندان های یحیی و چرخ در رویدادهای خونبار شمالی و نقش سیاسی استاد خلیلی و عبدالرحیم خان صافی در رویدادهای مزارشریف و هرات و همچنان حوادث آسیای میانه: هنگامه انور پاشا و کارروایی های ابراهیم بیک لقی در شمال افغانستان)

برای نخستین بار با بهره گیری از اسناد تازه افشا شده بایگانی های شوروی پیشین :
پرده از رازهای سر به مهر تاریخ معاصر کشور در نیمه نخست سده بیستم برداشته می شود.

به گزینش و گزارش: عزیز آریانفر



اهدا به:

بزرگترین تاریخ نویس و رویدادنگار، بزرگترین خامه پرداز، پژوهشگر و اندیشمند نیمه نخست سده بیستم کشور - ابرمرد والاگهر و ورجاوند فرهیخته بی که سیمایش در درازای دهه ها پیوسته فراسوی گرد و غبار برخاسته از تندبادهای «بیمار» و خانمان برانداز سرزمین ما پنهان نگه داشته شده بود و هرگز از جایگاه والا و هنر بالای وی چنانی که درخور شان و راسته و سیمای آراسته او و بازتابگر سپاسمندی بی آایشانه ما به پیشگاه او باشد، بزرگداری و ارجداری شایسته و بایسته نشد، روانشاد فیض محمد کاتب هزاره.

اثر دست داشته، گزینه بی است از بهترین مقالاتی که در سال های پسین در باره تاریخ دیپلماسی و سیاسی کشور ما (بیشتر در باره رویدادهای دراماتیک دوره های فرمانروایی امان الله خان، حبیب الله خان کلکانی و نادرخان و نیز نقش سیاسی خاندان های یحیی و چرخ در رخدادهای خونبار شمالی و نقش سیاسی استاد خلیل الله خلیلی و عبدالرحیم خان صافی در رویدادهای مزارشریف و هرات) و کشورهای همسایه آسیای میانه در پرتو رویارویی های سیاسی - نظامی روسیه و سپس شوروی با انگلیس یا آنچه که

رادیار کپلینگ آن را زمانی بازی بزرگ خوانده بود؛ در گستره جامعه کشورهای مستقل همسود، از سوی دانشمندان و پژوهشگران سرشناس این کشورها نگاشته و چاپ شده است. این مقالات، از میان ده ها مقاله بازتاب یافته در فصلنامه «افغانستان و امنیت آسیای میانه» که در بیشکیک- پایتخت جمهوری قرغیزستان به کمک بنیاد فردریش ایبرت جمهوری فدرال آلمان و به همت پروفیسور داکتر الکساندر کنیازیف- دانشمند نامبدار افغانستان شناس- چاپ می شود، و دیگر آثار چاپ شده در گستره جامعه کشورهای مستقل همسود، به زبان روسی، برگزیده و به زبان پارسی دری برگردان شده است.

معیار گزینش مقالات، همانا آگاهی بخشی و روشنایی افگنی آن ها و داشتن بار تاریخی و اهمیت علمی آن ها و درجه وثوق آن ها و راهگشا بودن آن ها بوده است. به گونه یی که با خواندن این مقالات، خواننده می تواند در روشنی دگرذیبی ها و دگرگونی های کشور، منطقه و جهان در برهه یی حساس و سرنوشت ساز از تاریخ نوین ما قرار گیرد و تصویر روشن و برجسته یی از آن چه در سرزمین ما در آن برهه می گذشت، به دست بیاورد.

ای خوشا ناله یی که بی اثر است

آغاز سخن

سخنوری فرهیخته و فرهمند فرموده است: «جای مردان سیاسی بنشانید درخت- که هوا تازه شود». نمی دانم، شاید او به راستی حق با او باشد؟ گاهی، با خود می اندیشم: این همه دشمنی ها و لشکرکشی ها و کشتارها و زدن و بستن ها و سوزانیدن ها و ویرانگری ها که دستاوردی جز دردها و رنج های بی پایان آدم ها و ویرانی آبادی ها و شهرها و برباد دادن هزینه های بی حد و مرز و به هدر دادن مساعی بزرگ نداشته است، در سراسر تاریخ برای چه بوده است؟ تازه خردمندی می فرماید: «جنگ برنده ندارد».

مگر نمی شد در روند تاریخ، انسان ها به جای نبرد و پیکار و شبیخون و تاراج و به یاسا رسانیدن و به دار زدن و به توپ پراندن و به زندان افگندن و پسان ها بمباران و موشکباران و... یک دیگر، به سوی مهرورزی و دوستی و عشق و همسویی و همگرایی و همکاری رو می آوردند؟

شاید هنوز جامعه انسانی در دوران کودکی و شاید هم شور و گرمی و مستی و «جهالت» نوجوانی به سر می برد! شاید، هنگام بلوغ و سپس پاییز زندگانی و پیرانه سری، خرد چیره گردد و «ارزش ها» دگرگون شود و آرمان های والایی پدید آید. شاید هم، همان گونه که پیرمردان ما در گذشته می گفتند؛ در نهاد انسان دو نیرو باشد: اهریمن و فرشته. یکی، آدمی را به سوی نیکوکاری و رستگاری و انسان باوری و فرهنگپروری می کشاند و دیگری به سوی تبهکاری و گناه و سیه روزی و بزهکاری. و شاید روزی برسد که اهریمن از پا بیفتد و سر انجام «گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک» بر جهان چیره گردد!

باشد روزی فرا رسد که باشندگان این سیاره خاکی، دیگر همه با همه بتوانند در خانه بهشت گونه خودشان زیر سپهر روشن صلح و آرامش به دور از جنگ و کشتار به سر برند و دیگر خونریزی و خودکامگی به بایگانی تاریخ سپرده شود.

آوخ، کنون که این گونه نیست، پس چه باید کرد؟ حالا که آدمیان همه به جان هم دیگر افتاده اند و به گفته شاعر «همه جا دکان رنگ است- همه رنگ می فروشند»، چه می شود کرد؟

برای این که از این کارزار بتوانیم جان به سلامت ببریم، باید برای نجات خود و برای این که زیر پا نشویم، چشم بگشاییم و ببینیم که در جهان ما، در پیرامون ما و سر انجام درون خانه ما چه می گذرد؟ از

سوی دیگر، باید با تمام نیرو بکوشیم تا نیرومند شویم. چه گفته اند که «در نظام طبیعت ضعیف پامال است».

امروز، توانمندی و استواری در گرو آگاهی است. مادامی که ما در راه گمی و تاریکی بسر بریم، نباید امید بهروزی و شگوفایی داشته باشیم و نباید هم در انتظار آن باشیم که «دستی از غیب برون آید و کاری بکند». ما بر سر یک دو راهی قرار گرفته ایم: یک راه به سوی آگاهی می رود، راهی دیگر به سوی نابودی.

دوست دارم این نیشته را از بازگویی دو رویداد ادامه دهم. دو رویداد نامتعارف، شگفتی بر انگیز و دلچسب.

هنگامی که گرباچف به پاریس آمد، فرانسوا میتران، کتاب «روح القوانین» مونتسکیو را به وی اهدا کرد و این پیامی بود خوشایند و نویدبخش برای رهبر شوروی و کشور روسیه در آستانه پا گذاشتن به یک عصر نوین در زندگی سیاسی آن کشور. عصر گذار از نظام توتالیتر شوروی به نظام نوین دموکرات و آزادی های مدنی با اقتصاد بازار آزاد و شگوفایی کشور. روشن است این پیام برای گرباچف و ملت روسیه، پیامی بود روشن و گویا و راهگشاه...

چندی بعد، پس از فروپاشی شوروی و سرنگونی رژیم دموکراتیک خلق در افغانستان، یکی از فرهنگمدان که پس از سال ها زندگانی در باختزمین به کشور بازگشته بود، دیداری داشت با یکی از رهبران نظامی نامدار کشور. وقتی رهبر نظامی وی را «بار» داد، تنی چند از سرشناسان محلی گوشه و کنار کشور نیز حضور به هم رسانیده بودند که هر یک تحافی برای رهبر آورده بودند. او از این که تحفه یی به همراه نداشت، احساس شرمندگی کرد و خویشتن خویش را سرزنش که چرا چیزی برای رهبر نیاورده است. مگر ناگهان یادش آمد که ترجمه پارسی کتاب «داکتر ژیاگو» نوشته بوریس پاسترناک- نویسنده نامدار روس را که برای خواندن در راه- در هواپیما با خود گرفته بود، در دیپلومات خود دارد. چون چیز دیگری برای پیشکشی نداشت، به ناچار همان کتاب را به رهبر اهدا کرد.

رهبر نظامی نیمه با سواد که انتظار چنین تحفه یی را نداشت و نیز هرگز در زندگی کسی برایش چنین چیزی اهدا نکرده بود، با چشمان شگفتی زده در اندیشه فرو رفت و به سان ابلهی به کتاب خیره شد و به روی جلد آن نگرید و سپس کتاب را به دستیار خود سپرد و این ماجرا را برای همیشه به دست فراموشی. روشن است این کار، نه پیامی به این رهبر ساخته و پرداخته اوضاع نا به سامان کشور داشت و نه در آستانه سرازیری سیل بنیاد برانداز طالبان به کشور؛ معنایی. مگر نفس این رویداد که بایست ثبت تاریخ گردد، گواه بر تراز پایین فرهنگ و دانش در کشور، به ویژه در رهبری است.

البته، این موضوع، تنها در قرینه رهبر نظامی نیمه باسواد یادشده صادق نیست. سوگمندان و دردمندان، یکی از مسایلی است که روح نخبگان ما را اسیر گرفته است. بیگانگی با کتاب و خوانش- بیماری است، سخت سهمگین و تباهن. چنین درماندگی در چنین عصر خیزش، خودکشی است.

کمرنگ شدن و بی فروغ شدن مشعل فرهنگ، از ریشه یی ترین دلایل پسمانی و تیره روزی سرزمین ما است. هرگاه قرار باشد از یکی از دو عامل تباهن تاریخی نام ببریم، در کنار نداشتن آگاهی، همو همین رخت برستن ارزش های فرهنگی از سرزمین ما است که پیشینه چندین سده یی دارد. اروپا 500 سال کار کرد تا بنیاد عقلایی و تجربی رئالیزم پراگماتیک را به میان آورد و درست در همین 500 سال پس از سقوط دولت تیموریان، ما در خواب سهمگین فرو رفته بودیم.

... برگردیم به ادامه گفتار. آگاهی مفهومی است بسیار گسترده، دارای ابعاد گوناگون. در این جا سخن بر سر آگاهی تاریخی است. آگاهی یی که در گذشته با ترفندهای گوناگون نگذاشته اند از آن بهره مند گردیم و

با تحریف تاریخ، با دستکاری ها در تاریخ، با توطئه سکوت، با سانسور، با بستن زبان ها و خامه ها، یک مشت یاره و چرند را به نام تاریخ به خورد ما داده اند. از این رو، رسالت تاریخی کسانی که به آثار دست اول دسترسی دارند و به زبان های خارجی تسلط، است که با برگردان این گونه آثار، با روشنگری بر تاریکی ها پرتو بیفکنند و بر سیاهی ها سپیدی.

این دانشجوی فرهنگ‌باور دبستان تاریخ که بیش از دو دهه سرگرم آموزش، کار و پژوهش سامانمند در زمینه تاریخ معاصر و نوین کشور و منطقه بوده است، بی آن که در پی دستیابی به برجسپی چونان «روشنگر تاریخ»- ستایش واژه بی که شماری از دوستان فرهیخته از سر مهر نثار این کمترین فرموده اند، باشد، رسالت تاریخی و میهنی و فرهنگی خود دانسته است تا شماری از آگاهی بخش ترین آثاری را که به زبان روسی در زمینه تاریخ خونبار معاصر و نوین کشور و منطقه نگاشته شده است، به زبان پارسی دری برگردان و شماری از آثاری را که دیگر اندیشمندان و پژوهشگران از زبان های دیگر به زبان پارسی دری برگردان نموده اند، ویرایش و باز چاپ و به دسترس شیفتگان بگذارد (نگاه شود به زندگی نامه نویسنده در برگ های اخیر کتاب). انگیزه اصلی این کار تنها یک چیز بوده است و آن هم این که دردمندانه ما در کشور خود نخست تاریخ نگار، تاریخدان و تاریخ نویس¹ حرفه بی بسیار کم داشته ایم. کسانی هم که جسته و گریخته به نوشتن تاریخ و یا کتاب هایی در باره تاریخ پرداخته اند، با کمبودهایی چون نداشتن دسترسی به بایگانی ها و اسناد دست اول، نداشتن تسلط بر زبان های خارجی، نداشتن آشنایی با روش های علمی تاریخ نویسی و سایر کمبودهای دیگری که ناگفته پیدا و هویدا اند، رو به رو بوده اند. در نتیجه، با این فاجعه رو به رو هستیم که بخش بسیار بزرگی از کتاب هایی که به دست هم میهنان ما نگاشته شده است، در کنار کاستی های علمی- اکادمیک و متدیک، از بیماری های گوناگونی چون بیماری های زیانبار زبانی، مذهبی، تباری، خود خواهی، خودبرتربینی و مانند آن رنج می برند. از همین رو است که اهمیت ارزش برگران آثار گرانسنگ از زبان های خارجی برجسته می شود.

فرانسوی ها می گویند:

«روشن شدن یک شمع، می تواند جهانی از تاریکی را به چالش بکشد». امیدوارم این کتاب بتواند به سان شمعی در این شبستان بدرخشد و شب و شب پرستان را به چالش بکشد و چراغی گردد فرا راه آیندگان و در دست هر روشنگر روشن بین، به گونه بی که بتواند- به فرموده شاملو- بانگ بر آرد: «چراغی به دستم، چراغی در برابرم- من به جنگ سیاهی می روم».

آرزومندیم، در پایان، در سر انجام کار، رهی پیش ما آید که خوانندگان گرامی خشنود باشند و ما رستگار! ایدون!

¹ . شایان یادآوری می دانیم که میان **تاریخنگار** (هیستوری گراف)- کسی که به نگارش منابع و مآخذ در علم تاریخ و پژوهش پیرامون این منابع و مآخذ و نیز تا اندازه بی به نسخه شناسی می پردازد و **تاریخدان** یا **تاریخ نویس** (هیستوریک) = کسی که به پژوهش و کاوش پیرامون موضوعات تاریخی می پردازد، تفاوت هست که در مندانه این موضوع در کشور ما چندان به سنجش گرفته نمی شود. در نتیجه، کسانی را که پژوهش هایی در باره تاریخ نموده اند و یا کتاب هایی نوشته اند، به اشتباه تاریخنگار می خوانند.

زندگی نامه گزارنده



عزیز آریانفر در اکتبر سال 1959 (1338 ه.خ.) در شهر مزارشریف پا به گیتی نهاد. آموزش های نخستین را در شهر زادگاهش فرا گرفت. به سال 1987 آموزشگاه فنی تخنیکم نفت و گاز مزارشریف را به پایان رسانید.

آریانفر به سال 1979 شامل دانشکده زمین شناسی دانشگاه دولتی مسکو شد. در تابستان 1985 دانشگاه را به درجه ماستری پایان برد.

از ماه اگوست همین سال تا ماه می 1986 سرپرست مدیریت روابط فرهنگی و ارتباط خارجه کمیته دولتی (وزارت) طبع و نشر افغانستان بود. او در همین سال به عضویت انجمن نویسندگان افغانستان پذیرفته شد.

از ماه جون 1986 تا ماه فیبروری 1989 در بنگاه های نشراتی «میر»، «رادوگاه» و «پروگرس» مسکو به عنوان سر ویراستار کار کرد و در ویرایش بیش از بیست اثر در زمینه های تاریخ، اقتصاد، گیتاشناسی، فلسفه، مسایل سیاسی و علوم طبیعی و فنی سهم گرفت. در همین سال ها بود که به مسایل اقتصادی دلچسپی گرفت و با شماری از شرکت های خصوصی افغانی همکار شد.

او به سال 1989 در شهر فرانکفورت آلمان پناهگزین شد. از سال 1989 تا پایان 1990 به آموزش زبان آلمانی پرداخت و به سال 1991 دو باره به روسیه برگشت و تا پایان 1992 در انستیتوت اقتصاد جهانی وابسته به اکادمی علوم سیبری روی رساله دکترا در زمینه «اقتصاد بازار آزاد در اوضاع معاصر و نقش آن در آینده آسیای میانه و افغانستان در پیوند با بهره برداری از خاستگاه های نفت و گاز در جمهوری های تازه به استقلال رسیده و گرایش های نوین اقتصادی» زیر نظر پروفیسور فریدمان کار کرد مگر شوربختانه نتوانست به دلیل دگرگون شدن اوضاع سیاسی در آسیای میانه آن را به پایان برد.

از اواخر 1992 تا پایان 1995 مدت چهار سال در یک شرکت مشورتی آلمانی در فرانکفورت کار کرد و در شماری از سیمینارهای اقتصادی در باره شوروی پیشین اشتراک ورزید. همچنان در کار چند پروژه بازسازی و نوسازی در روسیه سهم گرفت.

آریانفر از 1996 به این سو، سرگرم پژوهش در زمینه تاریخ دیپلماسی افغانستان، ایران و آسیای میانه و روسیه است. او تا کنون نه اثر در زمینه تاریخ افغانستان، سه اثر در باره تاریخ ایران، سه اثر در زمینه ادبیات و دو اثر در زمینه زمین شناسی (جمعا 17 اثر در 5000 صفحه) ترجمه و چاپ نموده است.

او همچنان در سال های دهه هشتاد سده بیستم در چند پروژه تدوین فرهنگ روسی به دری از جمله فرهنگ واژه های فنی روسی به دری سهم گرفته است.

گذشته از این ها، وی هفت اثر را در سیمای «مجموعه مقالات» در 2500 صفحه تالیف نموده است.

آریانفر از ماه جون 2003 تا ماه اکتبر 2006 در سمت رییس مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه کار کرده است. طی این مدت، وی انستیتوت دیپلوماسی وزارت خارجه را بازسازی و نوسازی و مرکز مطالعات استراتژیک را پی ریزی نمود. در همین مدت، او ده اثر را در زمینه مسایل سیاسی ویرایش و چاپ نمود و مجله یی را به نام «فصلنامه مطالعات استراتژیک» در ده شماره، در 1500 صفحه به چاپ رسانید.

در همین سال ها، پروژه های تحقیقی یی زیر نظر او به نام های «نقش کشورهای منطقه در تامین امنیت، ثبات و بازسازی افغانستان»، «نقش کشورهای اروپایی در تامین امنیت، ثبات و بازسازی در افغانستان» و «نقش افغانستان در سازمان های همکاری اقتصادی منطقه یی» به کمک بنیاد «هانس زایدل» جمهوری فدرال آلمان پیش برده شد که در چهارچوب این پروژه ها، ده ها سیمینار علمی-آکادمیک در مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه با اشتراک دانشمندان داخلی و خارجی سازماندهی و برگزار گردید.

همچنان در همین چهارچوب، در ماه اپریل 2006 به ابتکار او کنفرانس بین المللی یی در تالار کنفرانس های بین المللی وزارت امور خارجه با اشتراک دانشمندان 15 کشور منطقه برگزار گردید.

آریانفر تا کنون سخنرانی های بسیاری در زمینه های مسایل افغانستان و منطقه در شهرهای مسکو، نوواسیبیرسک و کیمرووا (در روسیه)، تاشکنت (در ازبیکستان)، بشکیک (در قرقیزستان)، آستانه و آلماتی (قزاقستان) و همچنان در «خانه فرهنگ روسیه» در فرانکفورت (جمهوری فدرال آلمان)، استانبول (ترکیه) و نیز لندن (در انگلستان) و برکلی (در امریکا) ایراد نموده و در بسیاری از کنفرانس های ملی و بین المللی به ویژه در ایران، قزاقستان، ازبیکستان، قرقیزستان، ترکیه و روسیه به نمایندگی از افغانستان اشتراک و سخنرانی نموده و ریاست بسیاری از هیات های علمی و رسمی کشور را به عهده داشته است.

آریانفر از دیدگاه سیاسی هوادار اندیشه های دمکرات است و به هیچ حزب و گروه سیاسی پیوند ندارد. وی از 2006 تا 2009 به سمت سفیر کبیر و نماینده فوق العاده ج.ا.ا. در قزاقستان کار می کرد.

آثار

ترجمه ها:

- 1- زمین شناسی برای همه، گروهی از دانشمندان روسی، بنگاه انتشارات «میر»، مسکو، 1980
- 2- خاستگاه های نفت و گاز، گروهی از دانشمندان روسی، انتشارات «میر»، مسکو، 1984
- 3- آسمان پر ستاره، (برای کودکان و نوجوانان)، یفریم لویتان، بنگاه انتشارات «رادوگا»، (رنگین کمان)، مسکو، 1985

- 4- مرغزار پاک، (داستانی برای نوجوانان)، مسکو، انتشارات «رادوگا» (رنگین کمان)، 1986
- 5- ارتش سرخ در افغانستان، بوریس گرومف- فرمانده ارتش سرخ در افغانستان و بعدها معاون وزیر دفاع روسیه و کنون استاندار مسکو، چاپ دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه ایران، تهران، 1996
- 6- افغانستان پس از بازگشت سپاهیان شوروی، ارتشبد محمود قاریف- مشاور ارشد نظامی داکتر نجیب، و بعدها رییس اکادمی علوم نظامی روسیه، کلن، 1997
- 7- توفان در افغانستان (در دو جلد)، الکساندر لیاخفسکی، فرانکفورت، 1998
- 8- افغانستان مسایل جنگ و صلح، نوشته گروهی از دانشمندان روسی از دانشسرای خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه، زیر نظر پروفیسور داویدف، چاپ «نشراندیشه»، تهران، 1378
- 9- جنگ در افغانستان، نوشته گروهی از استادان دانشسرای تاریخ نظامی روسیه، زیر نظر پیکف، انتشارات «میوند»، پیشاور، 2000
- 10- خاور و باختر، (مجموعه مقالات ادبی، نوشته گروهی از دانشمندان روسی از دانشسرای خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه، انتشارات «میوند» پیشاور، 2000
- 11- در پشت پرده های جنگ افغانستان، نوشته الکساندر مایوروف- مشاور ارشد نظامی رییس جمهور ببرک کارمل، انتشارات «پامیر»، دهلی نو، 2001
- 12- شوروی ها و همسایه های جنوبی شان: ایران و افغانستان (در سال های 1917-1939) نوشته پروفیسور میخائیل ولودارسکی، انتشارات «پامیر»، دهلی نو، 2001
- 13- افغانستان در منگنه جیوپولیتیک، و. پلاستون، و. اندریانف، انتشارات «میوند»، پیشاور، 2001
- 14- تجاوز بی آرمانه؛ (پیرامون تجاوز شوروی بر ایران و بخارا)، پروفیسور دکتر موسی پارسیدس- استاد بازنشسته تاریخ در دانشکده کشورهای آسیا و افریقا وابسته به دانشگاه مسکو، انتشارات «میوند»، پیشاور، 2000
- 15- روسیه و خاور، نوشته گروهی از دانشمندان روسی از دانشکده مطالعات آسیایی دانشگاه سان پتربورگ، انتشارات «میوند»، کابل، 2003
- 16- ناگفته هایی در باره کتاب «تذکر الانقلاب»، نوشته ملا فیض محمد کاتب هزاره، انتشارات «میوند»، کابل، 2006
- 17- کتاب دست داشته

هفته اثر در 5000 صفحه

تالیفات:

- 1- گزیده داستان های کوتاه، انتشارات «میوند»، کابل، 2006
- 2- افغانستان به کجا می رود؟ (مجموعه سخنرانی ها در اروپا و امریکا)، کابل، 2003
- 3- افغانستان بر سر دو راهی، مجموعه سخنرانی ها، کابل، 2005
- 4- افغانستان در چنبر گردباد سهمگین تاریخ، کابل، 2006
- 5- نقش کشورهای منطقه در تامین امنیت، ثبات و بازسازی افغانستان (مجموعه مقالات)، کابل، 2006
- 6- افغانستان و جهان (مجموعه مقالات اطلاعاتی)، کابل، 2005
- 7- آذر خشی در سپهر شبستان، گزیده مقالات گرد آوری شده از شبکه های انترنتی، کابل، 2006

هفت اثر در 2500 صفحه

ویرایش آثار:

سی عنوان کتاب در بیش از ده هزار صفحه، بیشتر در بنگاه های پروگرس، میر و رادوگا در مسکو و بنگاه انتشارات مرکز مطالعات استراتژیک وزارت خارجه افغانستان در کابل

اهتمام در چاپ آثار:

اهتمام در چاپ پنج عنوان کتاب، از جمله یک اثر به زبان انگلیسی و سه اثر مهم در تاریخ دیپلماسی کشور:

- 1- کشور شاهی افغانستان و ایالات متحده، لیون و لیلا پولادا، ترجمه استاد داکتر پنجشیری، کابل، 2005
- 2- تاریخ روابط سیاسی افغانستان، جلد نخست، لودویک آدمک، ترجمه استاد زهما، انتشارات پاییز، پاریس، 2005
- 3- تاریخ روابط سیاسی افغانستان، جلد دوم، لودویک آدمک، ترجمه استاد صاحب زاده، انتشارات پاییز، پاریس، 2005

در بیش از یک هزار صفحه

نگارش و ویرایش مقالات در مجلات:
چاپ ده شماره مجله (فصلنامه مطالعات استراتژیک)

در یک هزار و پنجصد صفحه

چاپ مقالات در نشریات پریودیک مختلف:
از جمله در افغانستان در شهرهای کابل و مزارشریف، ایران، روسیه، امریکا، انگلستان و آلمان

در پنجصد صفحه

آثار چاپ نشده (دو اثر)

در 1000 صفحه

جمعا هفتاد و دو اثر در 22000 صفحه (از جمله 70 اثر چاپ شده در بیش از 21000 صفحه و دو اثر چاپ نشده در 1000 صفحه)

آثار آقای آریانفر از نگاه حجم کار در افغانستان ریکورد به شمار می رود و در تراز گستره زبان دری از این نگاه ایشان را می توان با بزرگانی چون داکتر باستانی پاریزی مقایسه نمود.